

Combining the Izutsu Semiotic Method and the Shahid Sadr Interrogation Method with Application to the Story of Moses (PBUH) and Pharaoh in the Quran

Fatemeh Bahjat¹

Hossein Bostan Najafi²

1. PhD student of Sociology, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran. (Corresponding Author). smm@basu.ac.ir / <https://orcid.org/0009-0004-8155-9101/>

2. Faculty Member, Department of Social sciences, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran . hbostan@rihu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2025.48479.2293>

*Original
Research*

Received:
09/03/2024
Accepted:
19/01/2025

Keywords

Semiotics,
thematic
interpretation,
martyr Sadr,
Izutsu,
Prophet Moses
(peace be upon
him)
and Pharaoh

Abstract: Utilizing extra-religious methods such as semiotics in combination with intra-religious methods of understanding the exegetical text is a step in designing a novel method and complementing previous methods of understanding the verses of the Quran. This research, which was conducted using an analytical-descriptive method and is considered a second-level study in the field of methodology, has examined the "method of modeling thematic-semiotic interpretation" in order to open a way to complete and develop Shahid Sadr's thematic interpretation method, which ultimately led to the integration of the process of discovering the conceptual signifiers of coexistence and substitution relations with the thematic interpretation method. The synthesis was carried out in the ijthad stage as part of the inquiry method process. To explain the nature and outcome of this synthesis, the Izutsu Quranic semantics method was used, which, in combination with the thematic interpretation method, provides a mechanism for the multiplication and discovery of deep layers of meanings, including: a developing worldview, cultural subsystems, approaching the central signifier, and intratextuality. To visualize the application of this model, we constructed examples of co-occurring and successor relationships in verses related to the story of Moses (PBUH) and Pharaoh. By analyzing the signs, a series of co-occurring and successor relationships and the deep layers of meanings resulting from these relationships were revealed.

تلفیق روش نشانه‌شناسی ایزوتسو و روش استنتاج شهید صدر با تطبیق بر

داستان موسی (ع) و فرعون در قرآن

فاطمه بهجت^۱ حسین بستان نجفی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0004-8155-9101> /smm@basu.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. hbostan@rihu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2025.48479.2293>

چکیده: بهره‌مندی از روش‌های برون‌دینی مانند روش نشانه‌شناسی در تلفیق با روش‌های درون‌دینی فهم متن تفسیری گامی در طراحی روش بدیع و تکمیل روش‌های پیشین فهم آیات قرآن است. این پژوهش که با روش تحلیلی - توصیفی صورت گرفته و به‌نوعی مطالعه درجه دوم در حوزه روش‌شناسی محسوب می‌شود به‌منظور گشودن راهی برای تکمیل و توسعه روش تفسیر موضوعی شهید صدر به بررسی «روش مدلیابی تفسیر موضوعی - نشانه‌شناختی» پرداخته است که در نهایت به تلفیق فرایند کشف مدلولهای مفهومی روابط هم‌نشینی و جانشینی با روش تفسیر موضوعی منجر شد. تلفیق در مرحله روش اجتهادی به عنوان بخشی از فرایند روش استنتاج صورت گرفت. برای تبیین چگونگی و رهاورد این تلفیق، از روش معناشناسی قرآن ایزوتسو استفاده شد که در ترکیب با روش تفسیر موضوعی، مکانیسم تکرار و کشف لایه‌های عمیق معانی را فراهم می‌آورد که شامل: جهان‌بینی بالنده، خرده نظام‌های فرهنگی، نزدیک شدن به دال مرکزی و درون‌متنیت است. برای عینی‌سازی کاربست این مدل، به ساخت نمونه‌هایی از روابط هم‌نشینی و جانشینی در آیات مربوط به داستان موسی (ع) و فرعون پرداختیم. با تحلیل نشانه‌ها سلسله‌ای از روابط هم‌نشینی و جانشینی و لایه‌های عمیق معانی حاصل از این روابط آشکار شد.	صص: ۴۳ - ۲۳ مقاله پژوهشی دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، تفسیر موضوعی، شهید صدر، ایزوتسو، حضرت موسی (ع)، فرعون.
---	---

مقدمه

مسیر تنظیم و کیفیت رابطه علوم مدرن با قرآن کریم و گشودن راه‌هایی برای فهم بهتر قرآن با استفاده از روش‌های نوین فهم متون تفسیری مسئله‌ای است که همواره در کانون توجه پژوهشگران علم دینی و قرآن‌پژوهان معاصر بوده است و مطالعات ارزشمند و مفیدی نیز در این باره منتشر شده است. پرسش و دغدغه اصلی این پژوهش پرداختن به روش‌شناسی فهم معانی قرآن در راستای ارتقا بخشی به روش‌های پیشین بوده و به نوعی مطالعه درجه دوم محسوب می‌شود. روش استنتاج قرآن شهید صدر و معناشناسی ایزتسو که بحث‌های مبسوطی درباره بهره‌گیری از نشانه‌شناسی در فهم قرآن کریم است؛ ظرفیتی برای تلفیق و استفاده توأم در کشف معانی قرآن ایجاد کرده و می‌تواند؛ مبدأ شکل‌گیری روش‌ها و مدل‌های نوین در فهم معانی قرآن باشند. در این نوشتار برآنیم تا با روش تحلیلی و توصیفی به توضیح تلفیق این دو روش و رهاورد آن بپردازیم.

ایجاد ارتباط یکی از دغدغه‌های همزاد بشر بوده است. این مفهوم به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی اطلاق می‌شود که توسط فرد برای انتقال معنا به فرد دیگر به کار می‌رود. انتقال پیام می‌تواند باهدف یک اطلاع‌رسانی ساده و یا اثرگذاری و نفوذ بر مخاطب با آمیخته‌ای از احساس و عاطفه صورت گیرد. نشانه‌ها همواره از مؤثرترین ابزار انتقال پیام بوده‌اند. رمزگشایی از نشانه‌های کلامی یا غیرکلامی نقشی مهم در زندگی و ارتباطات گوناگون بشری در سطوح مختلف، اعم از ارتباطات بین فردی، ارتباطات بین فرهنگ‌های مختلف، جهان رسانه و هنر و ادبیات داشته‌اند. (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳)

نشانه‌شناسی^۱ که در قرن بیستم با کارهای سوسور و پیرس آغاز شد با معانی سروکار دارد که زیربنای هرگونه ارتباط به‌ویژه ارتباط زبانی است در عصر کنونی به‌عنوان ابزاری مهم برای انتقال پیام‌ها و معانی در ابعادی وسیع است. دانش نشانه‌شناسی با رمزگشایی از نشانه‌ها در پدیده‌های گوناگون به شناساندن هر چه بهتر جایگاه نشانه‌ها در زندگی بشری پرداخته است (اسمیت ۱۳۹۴: ۱۷۸).

نشانه‌شناسی می‌تواند در تنقیح روش تفسیر و کشف نظام قرآن، معنای قرآن، مکانیسم تکثیر معنا را برای مفسر فراهم آورد. اهمیت نشانه‌شناسی در مطالعات دینی از دو جنبه است؛ اول اینکه هر ارتباط زبانی به کمک نشانه‌های زبانی واژه‌ها یا جملات صورت می‌گیرد اما این نشانه‌ها معمولاً خودشان زبانی نیستند؛ بلکه از آن‌جهت که معانی را منتقل می‌کنند؛ مبنای ارتباط هستند به‌گونه‌ای که اگر این

¹ Semiotics

نشانه‌ها نبودند؛ ارتباط زبانی صورت نمی‌گرفت. دوم آنکه قرآن محصول ارتباط زبانی خدا با بشر است و زبان میان خدا و بشر نیز مانند دیگر ارتباط‌های زبانی به کمک نشانه‌ها صورت گرفته است. نشانه‌شناسی نیز از آنجاکه مطالعه و بررسی نظام‌مند نشانه‌هاست در تحلیل نشانه‌های قرآنی می‌تواند سودمند باشد روش‌های جدیدی برای ما در درک کلام خدا فراهم آورد. (قائمی نیا، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۹). این مطلب بیانگر اهمیت تحلیل نشانه‌های قرآن است که مسیر فهم آیات الهی را هموار می‌سازد و در طول تاریخ اسلام نیز دانش‌های گوناگون برای تحلیل نشانه‌ها پدید آمده است.

به نظر می‌رسد روش نشانه‌شناسی در ترکیب با روش‌های تفسیری قرآن می‌تواند نقش روشی مکمل را ایفا کند. چنان‌که در این نوشتار خواهد آمد روش تفسیر موضوعی شهید صدر که بر استنتاج از قرآن تأکید دارد؛ بستر و فضای مناسبی برای بهره‌گیری روش نشانه‌شناسی در تفسیر قرآن پیش روی می‌نهد.

پیشینه پژوهش

در زمینه نشانه‌شناسی واژگان قرآنی تاکنون چندین مقاله و کتاب به چاپ رسیده به‌عنوان نمونه مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه هم‌نشینی و جانشینی» اثر ساسانی و آزادی (۱۳۹۱). مقاله «معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی» اثر شفیع‌زاده و بهار زاده (۱۳۹۳). هر دو پژوهش با بهره‌گیری از فن نشانه‌شناسی به دنبال فهم روابط هم‌نشینی و جانشینی در مفاهیم قرآن کریم هستند. دو کتاب بیولوژی نص از علی‌رضا قائمی نیا و کتاب خدا و انسان در قرآن اثر توشیهیکو ایزوتسو از منابعی بودند که به بحث نشانه‌شناسی واژگان قرآنی را مورد پژوهش قرار داده‌اند و در این پژوهش نیز راهگشا بوده‌اند. تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در باب نشانه‌شناسی در آیات قرآن، رهیافت نوآورانه این پژوهش در تمرکز بر روش‌شناسی است که به ارائه «روش مدل یابی تفسیر موضوعی - نشانه‌شناختی» می‌پردازد که طی فرایند نظام‌مند کشف مدل‌های مفهومی از طریق فهم روابط هم‌نشینی و جانشینی و ترکیب آن با مفاهیم مستنطق از آیات قرآن که روش تفسیر موضوعی شهید محمدباقر صدر است؛ حاصل شده است در پی تکمیل و توسعه روش تفسیر موضوعی با استفاده از روش نشانه‌شناسی است. در جستجو‌هایی که در ارتباط با پیشینه موضوع صورت گرفت در هیچ‌کدام از منابع مرتبط با نشانه‌شناسی اعم از کتب و مقالات در ارتباط با پژوهش‌های قرآنی به موضوع پژوهش حاضر پرداخته نشده است.

۱. مبانی نظری پژوهش

نشانه‌شناسی در قرن بیستم با کارهای سوسور (Ferdinand de Saussure) و پیرس (Charles Sanders Peirce) آغاز شد و در ادامه پس از ظهور دیدگاه‌های گوناگون در نشانه‌شناسی تفسیری اکو (Umberto Eco) ظهور تازه‌ای یافت. به عقیده سوسور زبان از یک تصویر صوتی (واژه‌ها و آواها) ساخته شده است که با مفاهیم پیوند دارد. روابط میان این تصویر و مفاهیم را فقط قرارداد عرفی تعیین می‌کند. هیچ دلیل ضروری دال بر این قضیه وجود ندارد که مثلاً واژه درخت باید مفهوم درخت را بازنماید به گفته مشهور خود سوسور نشانه زبانی یک امر اختیاری است. او مدعی بود که زبان ضرورتاً نظامی از نشانه‌ها است که فرآیند پیچیده‌ای از دلالت را در برمی‌گیرد. برای فهم زبان باید ساختار و کارکرد این نظام نشانه‌ای را کشف کرد (اسمیت، ۱۳۹۴: ۱۷۸).

تمایز دیگری که سوسور به آن توجه دارد؛ تمایز بین اصطلاح «هم‌زمانی» و «در زمانی» است. در محور در زمانی به تغییرات زبان در طول تاریخ توجه می‌شود و هم‌زمانی ناظر به درک ساختار کلی زبان است. در ساختارگرایی سوسور از طرح هم‌زمانی به عنوان ساختار زبان بحث می‌شود. در دیدگاه اول در زمانی، زبان به مثابه نظامی از واژه‌های مرتبط، بدون ارجاع به زمان در نظر گرفته می‌شود، اما رویکرد هم‌زمانی به توسعه تکاملی زبان می‌پردازد. سوسور با جدا کردن این دو بعد وزن بیشتری به بعد هم‌زمانی می‌دهد. او بر این باور است زبان را می‌توان به عنوان یک سیستم کامل «منجمد در زمان» لحاظ کرد که تغییرات زبان‌شناسی در بستر آن قابل فهم است. (پیاز، ۱۳۸۴: ۹۵) سوسور مطرح کرد که می‌توان علمی را تصور کرد که نقش نشانه‌ها را به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار دهد و علم بررسی ماهیت نشانه‌ها و قوانین حاکم بر آن را نشانه‌شناسی نامید. (سوسور، ۱۳۸۲: ۳۲) اندیشمندانی چون ایزوتسو که در باب نشانه‌شناسی قرآن ورود داشته‌اند تمرکز بر رویکرد در زمانی در درک معانی واژه‌ها دارند از طرفی روش استنتاج شهید صدر نیز چنان‌که خواهد آمد بر دیدگاه در زمانی و اهمیت عنصر زمان و تاریخ در فهم معنای قرآن تأکید دارد.

ارتباطات را به دو نوع کلامی و غیرکلامی تقسیم کرده‌اند. ارتباط غیرکلامی یا زبان بدن، بستر گسترده‌ای را شامل می‌شود. بیان به واسطه حالات چهره‌ای و اشاره اندام و نمادهای وضعیتی از حرکات موزون و نمایش تا موسیقی (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۹۹: ۱۹) بسیاری از معانی مهم و حساس از طریق تماس چشمی، تفاوت‌های آوایی، اشاره و حالت‌های چهره و غیره منتقل می‌شود. ارتباطات غیرکلامی

در بسیاری موارد فضایی را ایجاد می‌کند که حاکم بر ارتباطات کلامی است مانند شنیدن، مکث کردن، آهنگ کلام که انعکاس‌دهنده حالات روحی و عاطفی است. (سماور، ۱۳۷۹: ۲۴۸) در این پژوهش به سبب گستردگی ارتباطات غیرکلامی تنها به بررسی ارتباطات کلامی و تحلیل روابط و کارکردهای زبانی می‌پردازیم.

در میان قرآن‌پژوهان معاصر ایزوتسو (Toshihiko Izutsu) اولین کسی که نشانه‌شناسی را برای دریافت معنی در قرآن به کار برده است. او کتاب مشهور خدا و انسان در قرآن را با هدف فراهم آوردن معناشناسی خاص قرآن بر اساس زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی سوسور نگاشته است. وی در این زمینه تحت تأثیر معناشناسی اولمان و زبان‌شناسی سوسور، این دو را با یکدیگر ترکیب کرده تا به کشفی جدید از معانی قرآنی برسد (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۳۰) تفاوت عمده ایزوتسو در روش تحلیلی است که می‌خواهد بر اساس داده‌های قرآنی عرضه کند و می‌خواهد قرآن را به زبان خود به نطق درآورد. به گونه‌ای که خود، مفاهیمش را تعبیر و تفسیر کند. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۸) در این پژوهش به تناسب بحث نظریات معناشناسی ایزوتسو را توضیح و مورد استفاده قرار خواهیم داد.

۱-۱. روابط هم‌نشینی و جانشینی

معانی واژه‌ها با روابط جانشینی و هم‌نشینی در درون زبان قابل فهم است. این روابط با استفاده از کلمات مترادف، متضاد و متشابه ایجاد می‌شود. عدم کاربرد بعضی واژه‌ها معانی واژه‌های دیگری که در زبان به کار رفته شده را می‌فهمانند. زبان، شامل تمایز بین دال‌ها و مدلول‌ها و روابط بین نشانه‌ها است که رشته‌ای از کلمات جملات و عبارت‌ها را می‌آفریند. نظم پیوندی یا رابطه‌ها، کلمات را در یک توالی خطی ترکیب می‌کند و تمایزها، کلمات غایب با کلمات حاضر را در یک توالی زبان‌شناختی ویژه جایگزین می‌کند. (هریس، ۱۳۸۱: ۱۲۴). مثلاً، در یک جمله مانند «گوسفندان به چراگاه می‌روند» هریک از کلمات معنی خود را در پیوند و وابستگی با کلمات قبل و بعد از خود دریافت می‌کند. این نظم هم‌نشینی^۱ زبان است. کلمات دیگری می‌توانند جایگزین کلمات فعلی این جمله شوند. گوسفند می‌تواند با «گاو»، «بز» جایگزین شود و «چراگاه» می‌تواند با «آغل»، «مزرعه» یا «دشت» جایگزین شود. این جایگزینی نظم جانشین^۲ زبانی نامیده می‌شود. (سوسور، ۱۳۸۲: ۱۴۰). اصول نظم جانشینی و هم‌نشینی در تمام سطوح زبان وجود دارد. واژه‌ها به دلیل توالی‌شان روابطی میان خود برقرار می‌کنند. هر عنصر

^۱ syntagmatic

^۲ associative

با عناصر پیش و پس از خود بررسی می‌شوند اما از طرفی واژه‌هایی در ساختار زبان وجود دارند که با واژه‌های خارج از آن ساختار رابطه دارند. سوسور با بهره‌گیری از اصول مشابه و یکسانی روابط درون سطوح مختلف زبان را بررسی می‌کند. (همان: ۱۷۶-۱۷۷)

۱-۲. نشانه‌شناسی در تفسیر قرآن

نحوه رشد مفاهیم و تکثیر معنایی از ویژگی‌های برجسته قرآن کریم است. یک واژه که در آیه‌ای روابط معنایی خاصی دارد؛ در آیه‌ای روابط هم‌نشینی دیگری پیدا می‌کند و شبکه‌های متعدد نشانه‌ای را پدید می‌آورند که حاصل آن استنتاج‌های معنایی بدیع است. هر نشانه مجموعه‌ای از نشانه‌های دیگر را تداعی و دسته دیگری را نفی می‌کند و نشانه مورد نظر در کانون این شبکه معنایی قرار می‌گیرد. (ساسانی، ۱۳۹۱: ۷۱) در نشانه‌شناسی متن قرآن کریم استفاده از سه مرحله بررسی و شناخت روابط هم‌نشینی بالفعل و جانشینی مفهوم و بررسی مفاهیم مرتبط با مفهوم موردنظر و نیز بررسی مفاهیم متقابل با مفهوم ضروری است. در ساختار داستان‌های قرآن نیز، روابط هم‌نشینی امکان ترکیب‌بندی جملات را ایجاد می‌کند؛ و روابط جانشینی امکان مقایسه بین مفاهیم حاضر و غایب را پدید می‌آورده و در طی این فرایند شبکه‌ای از نشانه‌ها شکل می‌گیرد که در درون نظام ساختاری روابط و معادلات معنایی را فراهم می‌آورند. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۴۲-۲۹۳)

۱-۳. روش تفسیر موضوعی شهید صدر

شهید صدر ویژگی‌هایی را درباره روش تفسیر موضوعی مطرح می‌کنند که آن را از روش تفسیر ترتیبی متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها حوزه‌های هدف، موضوع، نقش فعال مفسر و روش را شامل می‌شود. با تبیین ویژگی‌های مذکور می‌توان وجه مکمل بودن نشانه‌شناسی را در روش تفسیر موضوعی را نشان داد.

۱. هدف تفسیر موضوعی عبور از معانی ظاهری الفاظ قرآن و دست یافتن به نظریه‌های بنیادی قرآن درباره امور واقعی و انضمامی و یا موضوعی از مسائل زندگی است. ۲. موضوع، در تفسیر موضوعی معنایی عام داشته و جزئی‌نگر نیست و امور خارجی یا واقعی از جریان زندگی را شامل می‌شود. ۳. مفسر نقشی فعال و ارتباطی ملموس با واقعیت زندگی بشر دارد. ۴. روش تفسیر موضوعی در یافتن موضوع، روش تجربی، در گردآوری آیات، روش استقرائی و در تحلیل آیات، روش اجتهادی و در استخراج نظریه از آیات گردآوری‌شده؛ روش استنتاجی است. مفسر پس از ارائه موضوع به قرآن و

مطالعه تجربیات بشری درباره آن موضوع اندوخته‌ای از دانش‌ها و تجربیات را بر آیات قرآن عرضه و از قرآن در مورد آن موضوع سؤال می‌کند. درنهایت محصول این گفتگوی فعالانه کشف نظر قرآن درباره آن موضوع است. (صدر، ۱۴۲۱ ق: ۳۶-۳۳) در مرحله شناسایی موضوع بر اساس واقعیت‌های زندگی، موضوع در ذهن مفسر پرورانده می‌شود و او را به پرسش‌گری فعال بدل می‌کند. پس از فراهم آمدن اندوخته‌ای از مشکلات حل نشده بشر و نیز مجموعه‌ای از تجارب انسانی و موارث علمی و فرهنگی، مفسر به سراغ قرآن رفته و از آن پرسشگری می‌کند و قرآن نیز بسته به میزان زمینه مستعد مفسر و دانش و دستاورد او، به مفسر پاسخ می‌دهد و به‌مرور مقدماتی برای استنتاج از قرآن کریم و استخراج نظریه فراهم می‌آید. (همان: ۲۹) تفسیر موضوع محور از تفاسیر ترتیبی و جزئی‌نگر فراتر می‌رود و روابط و مناسبات اجزای پراکنده را در چشم‌اندازی گسترده‌تر کشف می‌کند و به ساختار نظری قرآنی می‌رسد که هریک از اجزای معنایی در جایگاه مناسب خود قرار می‌گیرد. (صدر، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۵) مفسر می‌تواند با صورت‌بندی نتایج جزئی کشف‌شده از آیات به کشف نظریه قرآنی نائل شود. شهید صدر هدف غایی از تفسیر موضوعی را استخراج نظریه از قرآن معرفی می‌کند. (صدر ۱۴۲۱: ۲۷ و ۳۳)

شهید صدر روش خود در فهم قرآن را روش استنتاجی می‌نامد. او قرآن را مجموعه‌ای از علوم پیشین و آینده می‌داند که باید با عرضه پرسش‌ها بر متن قرآن آیات را به سخن درآورد. قابلیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های هر عصر به‌صورت امری بالقوه در قرآن کریم وجود دارد. (ر.ک. صدر، ۱۴۲۱: ۲۹-۳۱) درحالی‌که رسالت روش تفسیر ترتیبی کشف معانی الفاظ و عبارات قرآن است روش استنتاج در پی کشف دیدگاه و موضع آیات است. این دیدگاه محصول برآیند دلالت‌های یک متن و نظام اندیشه مؤلف است که اجزای کلام را در پرتو نظام فکری خودسامان می‌دهد. فهم موضوعی تاریخ‌مند است چرا که در هر دوره و عصری مفسر متن را هماهنگ با اقتضائات برهه زمانی خاص خود می‌فهمد و این عامل پویایی تفسیر موضوعی در طول اعصار و زمان‌ها است و به صورتی پایان‌ناپذیر، همواره امکان فهم‌های جدید و بدیع از قرآن میسر است. (ر.ک. قربانخانی، ۱۴۰۱: ۲۹-۳۷) ازاین‌رو رویکرد شهید صدر در روش استنتاجی رویکرد "درزمانی" است که به عنصر زمان و تاریخ در فهم مدالیل قرآنی توسط مفسر توجه خاص دارد.

دلالت‌های مورد نظر شهید صدر در نظریه استنتاج از نوع دلالت کلامی است که در پی کشف مدالیل کلام الهی است. اگر چه برخی معتقدند استنتاج با لایه‌های عمیق و مبهم متن سر و کار دارد و چنین معرفتی از نوع معرفت باطنی است. (باقری، ۱۳۸۲: ۸۸ و ۹۲) اما می‌توان استنباط کرد که استنتاج از نوع مدلول‌های کلامی بوده که از دلالت التزامی، مراد کلام الهی را کشف می‌کند. این دلالت دیدگاه‌های پسینی متن که صریحا در کلام ذکر نشده‌اند را بیان کرده و در ردیف دلالت‌های اشاری که قسمی از دلالت‌های التزامی هستند؛ قرار می‌گیرد (اوسط باقری، ۱۳۹۹: ۲۳).

۴. تلفیق نشانه‌شناسی با روش تفسیر موضوعی شهید صدر «روش تفسیر موضوعی - نشانه شناختی»

دستیابی به پیشرفت روشی در تفسیر قرآن، نیاز به بنا نهادن و توسعه روش‌های پژوهش در این حوزه با طراحی روش‌های ساخت‌یافته و نظام‌مند، با اتکا به شیوه‌های اجتهادی و فهم نصوص وحیانی و حاکم کردن نگرش سیستمی و ساختاری است. در این صورت می‌توان در تحلیل مسائل و کشف واقعیت‌های پنهان، بسیار مؤثر عمل کرد و زمینه نظریه‌پردازی را با توجه به منابع وحیانی اسلامی فراهم ساخت. «روش مدل‌یابی تفسیر موضوعی - نشانه شناختی» که این پژوهش در پی تبیین آن است از تلفیق روش نشانه‌شناسی و استفاده از آن در مرحله روش اجتهادی که مرحله‌ای از مراحل تفسیر موضوعی شهید صدر است؛ حاصل می‌شود و مفسر می‌تواند از متد نشانه‌شناسی در این مرحله برای تکثیر معانی، در راستای کشف میدان‌ها و ساختارهایی معنایی استفاده کند. در جدول شماره ۱ علاوه بر ترسیم مراحل چهارگانه تفسیر موضوعی شهید صدر ره مرحله تلفیق روش نشانه‌شناسی ترسیم شده است.

جدول شماره ۱: مراحل چهارگانه تفسیر موضوعی شهید و مرحله تلفیق فرایند کشف مدل‌های مفهومی از طریق روابط هم‌نشین و جانشین

هدف	موضوع	نقش فعال مفسر	روش در تفسیر موضوعی
عبور از معانی ظاهری قرآن	موضوع معنایی عام دارد و جزئی نگرانه نیست	تماس داشتن مفسر با واقعیت زندگی	دریافتن موضوع: روش تجربی
یافتن نظریه‌های بنیادی درباره امور واقعی یا موضوعی از مسائل زندگی	موضوع در ذهن مفسر پرورانه می‌شود	از فراهم آمدن اندوخته‌ای از مشکلات حل نا شده بشر	در گردآوری آیات: روش استقرائی
	پرسش گری فعال درباره موضوع	رجوع به تجربه‌های بشری اعم از مشکلات و راه‌حل‌های بشری	در تحلیل آیات: روش اجتهادی
			در استخراج نظریه: روش استنتاجی

فرایند نظام‌مند کشف مدل‌های مفهومی از طریق فهم

۵. ترسیم فرایند کشف نظام‌مند مدل‌های مفهومی با بهره‌گیری از مبانی نظری ایزتسو

پس از توضیح روش "مدل‌یابی تفسیر موضوعی - نشانه‌شناختی" در این بخش از پژوهش در پی نشان دادن کارکرد فهم روابط هم‌نشین و جانشین در فهم و تحلیل آیات هستیم تا نشان دهیم که تلفیق روش نشانه‌شناسی با روش تفسیر موضوعی چگونه سبب ایجاد رویکرد و نگرش ساختاری و سیستمی

به مدالیل آیات قرآن می‌شود. برای ترسیم و تبیین این فرایند از مبانی نظری ایزوتسو که تحلیل‌های مبسوطی در نشانه‌شناسی قرآن کریم ارائه داده است بهره جستیم.

ایزوتسو عنوان معناشناسی را برای تحلیل واژگان قرآنی برمی‌گزیند که فرایند چهارگانه زیر را دارد این فرایند حاصل کشف نظام‌مند روابط جانشین و هم‌نشین است.

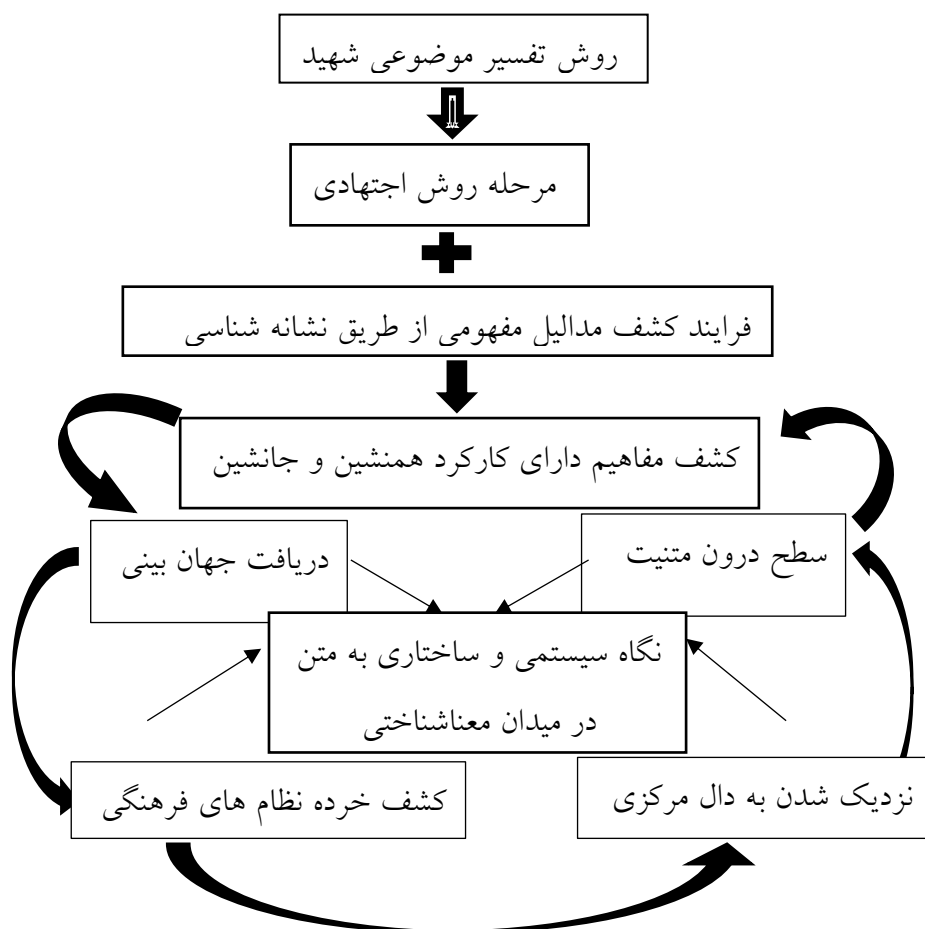
الف) تحقیق و مطالعه تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان به‌منظور شناخت جهان‌بینی قومی. ایزوتسو زبان را نه تنها وسیله سخن گفتن و اندیشیدن بلکه وسیله‌ای برای تصور کردن و تفسیر کردن جهانی می‌داند که قوم را در بر گرفته است و در این باره می‌گوید در پی تحلیل روش‌شناختی در مفاهیم کلیدی در پی کشف جهان‌بینی از نوع وجود شناسی زنده و بالنده است. (ایزوتسو ۱۳۷۳: ۴) او می‌گوید واژگان دارای چند سطح از معنا هستند یکی از سطوح درک معنا، مراجعه به لغت‌شناسی است که نقش کمکی و تبعی دارد در سطح دیگر از معنا با مقایسه، مفاهیمی که دارای روابط هم‌نشینی و جانشینی هستند؛ درک می‌شود این روابط به کشف معنای نسبی لغات که در درون نظام‌های مختلف معنایی متمایز است، می‌انجامد و درک این معانی غیر از معانی اساسی و پایه‌ای است که در بین الاذهان عموم آشکار است و می‌تواند جهان‌بینی متن را مشخص کند (همان: ۱۴).

ب) باید اذعان کرد که مفاهیم دارای کارکرد جانشین و هم‌نشین، یک دستگاه مفهومی می‌سازد که نماینده یک خرده نظام فرهنگی است. هرکدام از مفاهیم کلیدی دستگاه مفهومی، ضمن اینکه جزئی از نظام کل هستند خودشان ساخت معنایی دارند و دربرگیرنده مفاهیم دیگری هستند که زیرمجموعه این مفاهیم قرار می‌گیرد. در مطالعه یک متن هم می‌توان کلیت یک متن را در نظر گرفت و هم می‌توان یک مفهوم در حوزه خاص را به‌صورت مجزا در یک میدان معناشناسی تلقی نموده و مطالعه کرد. (خان محمدی، ۱۳۹۹: ۴۷) مفهوم "میدان معنایی" در تحلیل معناشناختی قرآن از ابداعات ایزوتسو است هر گروه از واژه‌هایی که در معنای اساسی ارتباط دارند میدان معنایی خاصی تشکیل می‌دهند این مفهوم به ایزوتسو کمک می‌کند تا نظام معنایی قرآن را به میدان‌هایی تقسیم کند و ارتباط آن‌ها را با یکدیگر بررسی کند (ایزوتسو، ۱۳۷۴: ۲۳-۲۵). محصول چنین رویکردی درکی سیستمی و ساختاری از معانی قرآن کریم است.

ج) ایزوتسو در پی نزدیک شدن به معنای مرکزی متن است و در پی یافتن یک روش علمی برای تجزیه و تحلیل ساخت بنیادی حوزه معنایی است. او می‌گوید بهترین راه برای چنین فرایندی توصیف معنای یک واژه به‌وسیله شرایط و اوضاع واحوال کاربرد آن است (همان: ۲۷).

د) سطح درون متنیّت مورد توجه ایزوتسو در معنایابی واژه‌های قرآنی است. درون متنیّت از فنونی مختلفی بهره می‌گیرد. (خان محمدی، ۱۳۹۹: ۴۹) اگر برای متن هویت کلی و یک نوع وحدت معنایی لحاظ شود نتیجه این خواهد بود که مفسر نمی‌تواند مطابق با دانسته‌ها و پیش‌فرض‌ها و آراء خویش هر جزئی را تفسیر کند. بلکه ازانجاکه هر جزء متن در معنای جزء دیگر دخیل و مقید به یکدیگر و درمجموع مقید به هویت کلی متن است تفسیر حاصل نیز مقید به یک‌یک اجزای متن و کاملاً سازگار با همه شئون متن خواهد بود این رویکرد اعتبار و روایی تفسیر را فزونی می‌بخشد. (خان محمدی، ۱۳۹۹: ۵۳ به نقل از جوارشکیان ۱۳۷۹: ۱۲۷).

فرایند رویکرد معناشناسی ایزوتسو که از نشانه‌شناسی بهره می‌گیرد، مدل نشانه شناختی مدنظر این پژوهش است که در تلفیق با روش تفسیر موضوعی شهید صدر در مرحله روش اجتهادی "مدل تفسیر موضوعی - نشانه شناختی" را شکل می‌دهد مراحل این مدل در نمودار شماره ۱ ترسیم شده است. نمودار شماره ۱: ترسیم نموداری مراحل فرایند کشف نظامند مدالیل مفهومی از طریق معناشناسی ایزوتسو و تلفیق آن با روش تفسیر موضوعی



۶. تطبیق روش نشانه‌شناسی و معناشناسی بر داستان موسی (ع) و فرعون در قرآن کریم

در ادامه این پژوهش به عینی سازی و ارائه چهارچوب‌های مفهومی مستخرج از نمادها و نشانه‌های موجود در داستان حضرت موسی ع و فرعون از طریق نشانه‌شناسی و کشف روابط جانشینی و هم‌نشینی می‌پردازیم. و تلاش می‌شود تا نمونه‌ای از فرایند فهم روابط هم‌نشینی و جانشین با توجه به جدول شماره ۲ ترسیم گردد. چهار مورد از روابط دارای کارکرد هم‌نشینی و جانشینی از آیات مربوط به داستان موسی در سوره‌های مختلف قرآن انتخاب شده و پس از آن با کشف روابط هم‌نشینی و جانشین بین مفاهیم کلیدی، مدل‌هایی از روابط متقابل ترسیم گردیده است. در جدول ذیل فهرستی از نمادها و نشانه‌های موجود در داستان حضرت موسی ع که در این نوشتار در مورد بررسی قرار گرفته است؛ ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۲: نمادها و نشانه‌های چهارگانه دارای روابط هم‌نشینی و جانشین در داستان موسی ع و فرعون در قرآن کریم

روابط هم‌نشینی و جانشین	شماره آیه
۱ قول لین و گفتار نرم و شجاعانه در برابر سخن خشن و روحیه محافظه‌کارانه	آیات ۴۴ و ۵۷ و ۶۲ و ۶۴ و ۷۱ سوره طه
۴ تبدیل احساس ترس به امنیت در برابر تبدیل امنیت به ترس و نابودی	آیات ۵۷ - ۶۶ سوره شعرا و ۳۴ و ۳۵ قصص
۳ آزادی بنی‌اسرائیل و رهایی (وارثان زمین) در برابر اسارت دربند کردن آنان (استکبار فرعون)	آیات ۵ و ۳۹ قصص و ۶۳ و ۴۷ طاه و ۱۳۶ و ۱۳۷ اعراف
۴ یاران مستضعف و فقیر در برابر یاران از طبقه ثروتمند	آیه ۵۷ و ۵۸ شعرا و ۱۳۶ و ۱۳۷ اعراف

هر یک از مدل‌های مفاهیم طرح شده در جدول شماره ۲ دارای کارکرد هم‌نشینی و جانشین هستند. با طرح مراحل چهارگانه این فرایند به ترسیم الگوهای روابط هم‌نشینی و جانشین در این آیات خواهیم پرداخت. مراحل چهارگانه در فرایند کشف مدل‌های مفهومی به صورت ذیل قابل تحلیل هستند.

الف) هر مدل می‌تواند جهان‌بینی قومی را در متن آیات را منعکس سازد که در یک میدان معنای کلی‌تر جهان‌بینی الهی در برابر جهان‌بینی مادی است به عنوان نمونه، یاران مستضعف و فقیر در برابر یاران از

طبقه ثروتمند و یا قول نرم و شجاعانه در برابر گفتار خشن و روحیه محافظه کارانه، بعدی از دو نوع جهان بینی در میدان معنایی جزئی تر هستند و نظام مفهومی جزئی تر را نشان می دهد.

ب) هریک از مدل های مفهومی خود بیانگر خرده نظامی فرهنگی است. و میدان معنایی جزئی تر را شکل می دهد که در ترکیب با خرده نظام های فرهنگی دیگر که از مدل های مستخرج از گروه دیگری از آیات به دست آمده نظام فرهنگی وسیع تری را شکل می دهد و با تحلیل مجموع آنها می توان به درکی ساختاری و سیستمی از جهان بینی الهی و مادی و یا هر نوع جهان بینی قومی دیگر دست یافت. ج) مدل های طراحی شده ما را به دال معنای مرکزی متن نزدیک می کنند حقیقتی که محور اصلی همه خرده نظام های فرهنگی مستخرج از روابط هم نشین و جانشین است؛ دالی واحد است. اگرچه آیات مورد بررسی به صورت پراکنده در سوره های مختلف قرآن آمده اند اما همه آنها دارای دال مرکزی واحدی هستند که مفسر با نگاه ساختاری به آیات به کشف آن نزدیک می شود. به نظر می رسد بتوان دال مرکزی را در نگاه ساختاری به خرده نظام های طرح شده در این آیات، توحید و یا مبارزه استضعاف با استکبار دانست. البته هدف این پژوهش هدفی روش شناسانه است و نه تفسیری که بخواهیم در پی تشخیص دقیق دال مرکزی آیات باشیم.

د) بر اساس درون متنی هر کلمه با کلمات دیگر در متن فهم شده معنایی در درون متن می یابد که چه بسا اگر همان واژه در متنی دیگر و یا در میدان معنایی دیگری قرار می گرفت چنین معنایی نداشت مثلاً در آیات مورد بررسی گفتار نرم و شجاعانه در مقابل گفتار خشن و محافظه کارانه میدان معنایی را ایجاد می کند که هر یک از کلمات به فهم معنای کلمه دیگر کمک می کند و معنای خاص هر کلمه در کنار کلمه دیگر به ذهن متبادر می شود و معنی کلمات در درون متن نوعی انسجام هماهنگی و همسازی باهم می یابند. تک تک این کلمات در خارج از متن مورد مطالعه و خارج از میدان معنایی آیه دیگر چنین معنایی نخواهند داشت معنای متفاوت دیگری دارند.

۷. طرح مدل هایی از روابط جانشینی و هم نشینی

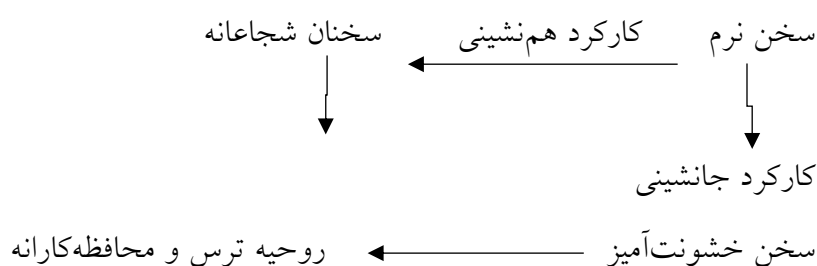
قرآن کریم در سوره های متعددی به بیان داستان زندگی حضرت موسی ع و رویارویی او با فرعون پرداخته است در سوره های صافات، قصص، طه، اعراف، احزاب و شعراء این جریان به تفصیل ذکر گردیده است. با بررسی آیات متعدد این سوره ها و کشف و تبیین روابط هم نشین و جانشین در این آیات، در نهایت به سلسله ای از مفاهیم به هم پیوسته و مرتبط دست می یابیم که کارکرد این مفاهیم در

دستگاه تفسیر موضوعی شهید صدر شبکه مفهوم‌سازی و صورت‌بندی مفسر و درنهایت نظریه‌پردازی از متن قرآن است.

۷-۱. گفتار نرم و شجاعانه در برابر سخن خشن و روحیه محافظه‌کارانه

خداوند خطاب به موسی ع می‌فرماید "اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ" (طه/۲۴) یعنی در موقع دعوت با او مدارا کنید و از درشتی کردن خودداری کنید و به نرمی سخن کنید. (طبرسی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۲۹). لحن کلام از شیوه‌های ارتباط غیرکلامی است که متکلم با انتخاب واژه‌های که از نرمی و لطافت مفهومی برخوردار است؛ سعی در جذب و اقناع دارد. گفتار حضرت موسی ع در مواجهه با فرعون در عین نرمی و لین بودن از استحکام و شجاعت برخوردار است. در برابر این دو ویژگی سخنان موسی ع، دو ویژگی متضاد در سخنان فرعون قابل مشاهده است. لحن و کلام خشونت‌آمیز او و نیز سیاست محافظه‌کارانه فرعون و یارانش که نشانه رعبی درونی آن‌ها است. یاران فرعون پیشنهاد می‌دهند که در کشتن او عجله نکن زیرا تو را ظالم و سنگدل خواهند خواند بلکه نخست مأمورانی به شهرها بفرست و باز تو با سحر آنان درواقع برابر موسی مقابله کن استفاده از راهکارهای ایجابی و به‌ظاهر ادب و رزانه و محافظه‌کارانه در نهایت به این ختم می‌شود که موسی ع را متهم به ساحر بودن می‌کنند تا جایی که حتی او را داناتر از ساحران و استاد آنان توصیف می‌کنند. (دهقان نیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱) فرعون پس از شکست در مسابقه‌ای که خود به راه انداخته است خطاب به ساحران با زبان تهدید سخن می‌گوید و آنان را بی‌هیچ دلیل منطقی با موسی ع همدست می‌خواند. خشونت کلامی فرعون پس از شکست از موسی ع به اوج خود می‌رسد. "إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۖ فَلَا تُقِطِعْنَ آيِدِيكُمْ وَأَرْجُلُكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صَلِّبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ" (طه ۷۱-۷۳) تهدید ساحران به کشتن و شکنجه پس از ایمان، بیانگر شدت خشم در سخن و رفتار اوست. و بریدن دست‌ها و پاها از خلاف به سختی دار زدن حاکی از خشونت رفتاری اوست. (اشکوری، بی‌تا: ج ۳: ۷۱) از کلام فرعون نوعی ترس و محافظه‌کاری برداشت می‌شود. ترس از بیرون رانده شدن از سرزمین که به‌صراحت در کلماتش بیان می‌کند "قَالَ أَجِئْنَا لِنُخْرِجَنَّا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ" (طه/۵۷) ترس فرعون سبب شد تا موسی ع را متهم به سحر متهم کرد و الا روشن است که یک ساحر نمی‌تواند به‌واسطه سحر، پادشاهی را از سرزمینی بیرون کند و مشخص است که فرعون به‌شدت می‌ترسید که به افکار عمومی را علیه او برانگیخته و بر سلطنت او غلبه یابند. (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۸۸)

این ترس در نهایت فرعون را مجبور کرد از تهمت برای متهم ساختن ساحران و موسی ع استفاده کند. عبارت *إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ* و فرعون این تهمت را مطرح کرد که شما یک توطئه سیاسی علیه حکومت به رهبری موسی ع ترتیب دادید و موسی معلم و استاد شماست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۲۴۸). روحیه محافظه کارانه فرعون در گفتگو با مشاوران و نزاع با آنها مشهود است. *فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى* (طه / ۶۲-۶۴). این تنازع و اختلاف در گفتگوهای سری نشان از ترس و روحیه محافظه کارانه دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۴۳). بین مفاهیم سخن نرم و شجاعانه و گفتار خشونت آمیز و ترس و روحیه محافظه کارانه، کارکرد جانشینی و هم نشینی برقرار است که به صورت زیر قابل ترسیم است.

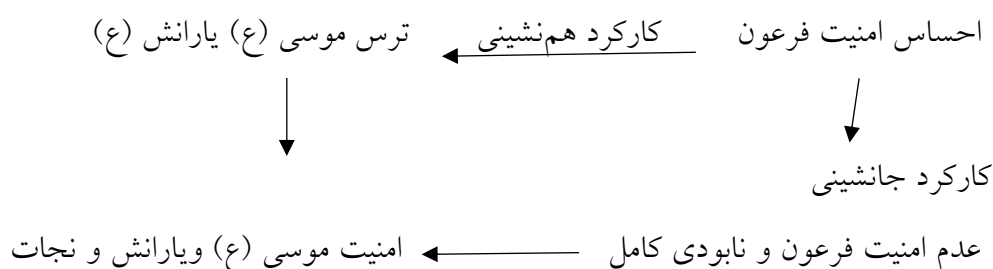


۷-۲. تبدیل احساس ترس به امنیت

فرعون از قدرت و اموال فراوانی در سرزمین مصر برخوردار بود. *فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَ عَيُْونٍ وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ* (شعرا/ ۵۷). (پس با وجود آن همه دعوی ها) ما آنها را از باغ های مصفا با نه رهای آب روان بیرون کردیم. و نیز از گنجها و ثروتها و مقامات عالیه ریاست بیرون آوردیم. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰). احساس امنیت فرعونیان در سایه قدرت و دارایی ها موجب می شد تا موسی ع را دشمنی ضعیف بیندارند اگرچه این احساس اقتدار همراه با ترس از بیرون رانده شدن از سرزمینشان همراه بود و زمینه چنین ترسی به سبب پیش گویی های که از افول و نابودی حکومت فرعونیان خبر داده بود از قبل ایجاد شده بود تا جایی به سبب همین نوزادان بنی اسرائیل را می کشتند. در آیات سوره شعرا توصیف یاران موسی ع از زبان فرعون چنین آمده است *إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ وَ إِنْهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ وَ إِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ* (شعرا ۵۲-۵۴). یعنی بنی اسرائیل جمعیتی اندک اند و کارهایی می کنند که ما را به غیظ درمی آورند و ما از مکرری که ممکن است دشمن علیه ما بکند بر حذریم، هرچند که دشمن ضعیف و اندک است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۸۶) این احساس امنیت و اقتدار در نهایت در هم می شکند و به

ترس و نابودی تبدیل می‌شود. زمانی که فرعونیان به بیان قرآن از باغ‌هایشان بیرون رانده می‌شوند و دارایی‌هایشان از آن‌ها گرفته می‌شود. در آیه ۱۳۷ سوره اعراف به از بین رفتن احساس امنیت آنان اشاره شده است وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ" و آنچه را فرعون و قومش ساختند (از صنایع و عمارات و کاخ‌ها) نابود کردیم و فرعون و لشکریانش در دریا غرق شده و نابودی کامل آنان رقم خورد. "ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ" و سپس فرعون و قومش را که میانه آب قرار گرفته بودند با رساندن آب‌ها به یکدیگر غرق کردیم. (جعفری، ۱۳۷۶ ج ۶: ۱۹۷ و ۱۹۸) بین احساس امنیت فرعونیان و ترس و عدم امنیت آنان کارکرد جانشینی برقرار است.

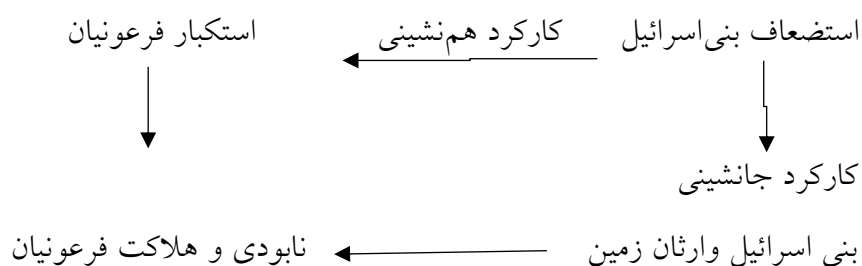
حالت ابتدایی موسی (ع) و یارانش ترس و احساس عدم امنیت است که دقیقاً برخلاف فرعونیان این عدم امنیت به احساس امنیت و زوال ترس بدل می‌شود. فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (شعرا / ۶۱). فرعونیان دنبال بنی‌اسرائیل را گرفتند و در صبحگاهی به ایشان رسیدند، همین‌که دو صف لشکر یکدیگر را دیدند. یاران موسی از بنی‌اسرائیل با ترس گفتند آن‌ها در حال رسیدن به ما هستند. (الهی قمشه‌ای ۱۳۸۰) این احساس ترس پس از غرق شدن فرعونیان به امنیت کامل و نجات موسی ع و یارانش بدل می‌شود. «وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ» (شعرا / ۶۵ و ۶۶). نمونه دیگر آن در سوره قصص می‌فرماید. قَالَ سَتَشِدُّ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعُكُمَا الْغَالِبُونَ (قصص/ ۳۴ و ۳۵) این آیه درواقع پاسخی به درخواست حضرت موسی (ع) از خداوند مبنی بر فرستادن برادرش هارون را به‌عنوان یاری دهنده با او برای انجام امر الهی است. "برادرم هارون فصیح‌تر از من است، پس او را به یاریم بفرست، تا صدق مرا در مدعایم تصدیق کند، زیرا من می‌ترسم." ترس ابتدایی حضرت موسی ع از تکذیب فرعونیان با دلگرمی حضور برادرش به احساس امنیت تبدیل می‌شود. خداوند می‌فرماید: بازویت را به‌وسیله برادرت محکم می‌کنم، همچنین عدم وصول فرعونیان به آن دو، کنایه است از اینکه آنان بر شما دست نخواهند یافت "أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعُكُمَا الْغَالِبُونَ" شما و یارانتان پیروز خواهید بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۱۷۸ و ۱۷۹)



۷-۳. آزادی بنی اسرائیل (وارثان زمین) در برابر اسارت و دربند کردن آنان (استکبار فرعون)

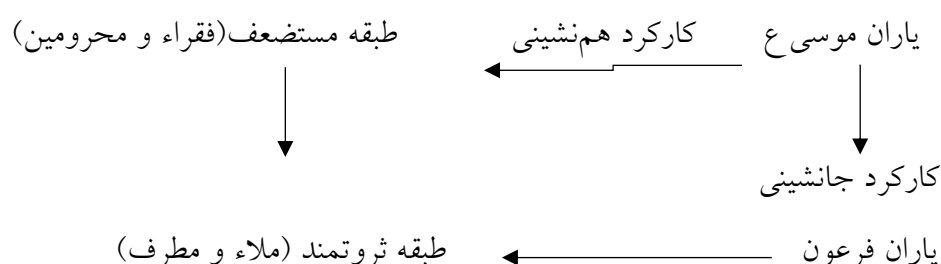
بنی اسرائیل بر اساس آیات قرآن به سبب تعدی دچار استضعاف بودند. "وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" (قصص/۵) فضایی که موسی ع در آن رشد کرده بود، فضای علو فرعون در زمین و تفرقه افکنی وی در میان مردم و استضعاف بنی اسرائیل بود. فرعون تصمیم داشت که از بنی اسرائیل حتی یک نفر در روی زمین باقی نگذارد، او با قدرتش به تمامی شئون هستی آنان احاطه یافته آنان را خوار ساخته بود و حکم نابودی شان را می داد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۱۶: ۹ و ۱۰) در برابر این استضعاف، گروه مستکبر فرعونیان قرار می گیرد که عامل چنین استضعافی و اسارتی است "وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ" (قصص / ۳۹)

آیه ۱۴ سوره ی طه می فرماید "فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ" حضرت موسی ع از ابتدای دعوتش به دنبال رهایی بنی اسرائیل از ستم فرعونیان است او از فرعون درخواست می کند که بنی اسرائیل را با او بفرستد و آنان را نیازارد. بنی اسرائیل پس از دعوت و قیام موسی ع و نابودی فرعونیان در دریا، وارثان اموال و قدرت و سرزمین فرعونیان شدند. و ثمره مبارزه و دعوت طولانی و سخت موسی ع نجات و رهایی بنی اسرائیل از اسارت و بردگی فرعونیان بود. "وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۖ... وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ" (اعراف / ۱۳۶-۱۳۷) قوم بنی اسرائیل را که بر اثر ظلم فرعونیان ضعیف شده بودند قدرت داده و بعد از هلاکت فرعون سراسر سرزمین قلمرو فرعون را در اختیار آنها قرار دادیم. جمله "وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ" به این معنا است که ما آن خانه ها و کاخ ها، درخت ها و باغ های ایشان را نابود کردیم. (طبرسی، ۱۳۶۳ ج ۱۰: ۳۳) بین مفاهیم استکبار فرعون و استضعاف بنی اسرائیل و نیز نابودی و هلاکت فرعونیان و رهایی بنی اسرائیل کارکرد هم نشینی برقرار است و نیز بین معانی استضعاف و استکبار و نابودی و رهایی و وارث شدن کارکرد جانشینی برقرار است که به صورت زیر قابل ترسیم است.



۴-۷. یاران مستضعف و فقیر موسی ع در برابر یاران از طبقه ثروتمند فرعون

یاران و ایمان آورندگان به موسی ع از طبقات محروم و مستضعف بودند چنان‌که در محتوای آیات فوق نیز به تفصیل از آن سخن گفته شد. در مقابل یاران فرعون از طبقات ثروتمند بودند که اموال آنان اقتدار بخش سرزمین مصر بود و بصاحب باغ‌ها و گنج‌های فراوان بودند. در برابر این آیات، آیاتی دیگر بیان می‌کند "وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ..." (اعراف / ۱۳۷) به این معنا که آنچه را که فرعون و قومش می‌ساختند و می‌افراشتند از صنایع و کاخ‌های با عظمت ویران کردیم. (الهی قمش‌های، ۱۳۸۰). با توجه به محتوای آیات بین یاران موسی ع و طبقه مستضعف و یاران فرعون و طبقه مرفه و ثروتمند، کارکرد هم‌نشینی و نیز بین یاران موسی ع و فرعون و دوطبقه مستضعف و ثروتمند کارکرد جانشینی برقرار است. که به شکل زیر قابل ترسیم و بازنمایی است.



روابط جانشینی و هم‌نشینی مفاهیمی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت نمونه‌ای از کاربرست نشانه‌شناسی در داستانی قرآنی بود. همچنان که عملکردها و رفتارهای بیرونی این دو شخصیت یا دو مدل قرآنی کاملاً در تضاد و تقابل باهم است. آنچه ما در جهان بیرون و در مواجهه با این دو مدل می‌یابیم بیش از اینکه از دو شخص متمایز سرزده باشد سلسله‌ای از مفاهیم برآمده از دوگانه‌های متمایز و متقابل بنیادینی است که در متن داستان قرآنی آنان بازنمایانده شده است. در این بخش تلاش شد تا نمونه‌هایی از روابط نظام‌مند بین مفاهیم قرآنی ترسیم و نشان داده شود. بدون شک مفاهیم متعدد دیگری نیز وجود دارد که با تأمل بیشتر در آیات قرآن قابل‌ارائه است. کشف و نشانه‌شناسی سلسله مفاهیم نظام‌مند می‌تواند در تنقیح روش تفسیر موضوعی، مکانیسم تکثیر معنای خاصی از طریق

فرایندهای چهارگانه که سابقاً مطرح گردید برای مفسر فراهم آورد و به کشف لایه‌های پنهان متن بیانجامد و از این طریق به عنوان روش مکمل در کنار روش تفسیر موضوعی طرح گردد.

نتیجه‌گیری

بهره‌مندی از روش‌ها و تکنیک‌های برون‌دینی، چون روش‌های نشانه‌شناسی و تلفیق آن با روش‌های درون‌دینی فهم متن تفسیری می‌تواند گامی جدید در مسیر طراحی روشی بدیع و تکمیل روش‌هایی پیشین فهم آیات قرآن کریم باشد. این پژوهش، به روش مدلیابی «تفسیر موضوعی - نشانه‌شناختی» پرداخته است. مدلی که از تلفیق فرایند کشف مدلول‌های مفهومی از طریق فهم روابط هم‌نشینی و جانشینی با روش تفسیر موضوعی شهید صدر ره حاصل شد. روش نشانه‌شناختی، مکانیسم تکثیر معانی را برای مفسر تفسیر موضوعی فراهم می‌آورد. ویژگی‌های روش تفسیری شهید صدر حوزه‌های هدف، موضوع، نقش فعال مفسر، و روش در تفسیر موضوعی را شامل می‌شود. روش تفسیر موضوعی دریافتن موضوع، روش تجربی و در گردآوری آیات از روش استقرائی و در تحلیل آیات نیز از روش اجتهادی و نیز در استخراج نظریه روش استنتاجی است. مدلول‌های مفهومی کشف‌شده از طریق روابط هم‌نشین و جانشین در مرحله روش اجتهادی تفسیر موضوعی شهید صدر قابلیت تلفیق دارد که در جدول (۱) ترسیم‌شده است. پس از توضیح روش "مدل یابی تفسیر موضوعی - نشانه‌شناختی" در پی آن بودیم تا نشان دهیم که تلفیق روش نشانه‌شناسی با روش تفسیر موضوعی چگونه سبب ایجاد رویکرد و نگرش ساختاری و سیستمی به مدالیل آیات قرآن کریم می‌شود و افق‌های گسترده‌تری را بر روی مفسر روش موضوعی می‌گشاید. برای ترسیم این فرایند از مبانی نظری ایزوتسو که تحلیل‌های مبسوطی در نشانه‌شناسی قرآن کریم ارائه داده است؛ بهره جستیم. ایزوتسو نشان می‌دهد که چگونه نشانه‌شناسی منجر به کشف لایه‌های عمیق‌تری از معانی می‌شود که شامل شناخت جهان‌بینی زنده و بالنده قومی، خرده نظام‌های فرهنگی، نزدیک شدن به دال مرکزی متن و کشف سطح درون متنی است. نشانه‌شناسی در تلفیق با روش تفسیر موضوعی نه تنها مکانیسم تکثیر معانی را برای مفسر تدارک می‌بیند بلکه لایه‌های مذکور را در شناخت و فهم معنای قرآن کریم بر روی او می‌گشاید. در بخش نهایی پژوهش به تطبیق «روش نشانه‌شناسی - تفسیر موضوعی» در تفسیر داستان حضرت موسی ع و فرعون در قرآن کریم پرداختیم و با طراحی مدلهایی از روابط هم‌نشین و جانشین در آیات قرآن، به

ترسیم کارکردهای این مفاهیم پرداخته شد. نتایج این روابط به صورت عینی، علاوه بر نشان دادن سیستم تکثیر معانی، لایه‌های عمیق معنایی را نیز آشکار کرد و نشان داد که هر مدل چگونه می‌تواند جهان‌بینی قومی را در متن آیات منعکس ساخته و خرده نظام‌های فرهنگی را کشف نماید که با تلفیق آن‌ها می‌توان به درکی ساختاری و سیستمی از جهان‌بینی الهی و مادی دست یافت. هر مدل قادر است ما را به دال معنای مرکزی متن نزدیک کند و درون متنیت در هریک از مدل‌ها نشان می‌دهد که کلمات کلیدی باهم نظام معنایی خاصی را ترتیب می‌دهند؛ چه‌بسا اگر همان واژه در متنی دیگر و یا در میدان معنایی دیگری قرار گیرد؛ چنین معنایی نداشته باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰ش). ناشر: فاطمه الزهراء ایران - قم.
۲. اسمیت، فلیپ. (۱۳۹۴ش). نظریه فرهنگی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۳. ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۷۸ش). مفاهیم/اخلاقی، دینی در قرآن کریم. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نشر فروزان.
۴. (۱۳۷۳ش). خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. اوسط باقری، علی. (۱۳۹۹). نقش پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی ره
۶. اشکوری، محمد بن علی. (بی تا). تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، تهران: دفتر نشر راد
۷. باقری، خسرو. (۱۳۸۲). هویت علم دینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸. پیازه، ژان. (۱۳۸۴ش). ساختارگرایی، ترجمه رضا علی اکبرپور، تهران: کتابخانه موزه و مرکز استاد ملی مجلس شورای اسلامی.
۹. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). تفسیر کوثر، قم: هجرت
۱۰. خان محمدی، کریم. (۱۳۹۹ش). قرآن و عقلانیت/ارتباطی، تهران: نشر نی.
۱۱. دهقان نیری، مرضیه، سلطانی، سیدعلی اصغر، مقدسی نیا، مهدی. (۱۳۹۷). «ادب در گفتمان قرآن گفتگوی موسی و فرعون در سوره اعراف»، مطالعات قرآنی و فرهنگ/اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی، سال دوم شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱-۲۳
۱۲. ریچموند، ویرجینیا پی، و جیمز سی مک کروسکی. (۱۳۹۹ش). رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی درس‌نامه/ارتباط غیرکلامی، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلای عبدالله پور زیر نظر غلامرضا آذری، چاپ دوم تهران: انتشارات دانژه.
۱۳. سماور، لاری ای، ریچارد ای. پورتر، لیزا استفانی. (۱۳۷۹ش). ارتباطات بین فرهنگ‌ها، ترجمه غلامرضا کیانی و سید اکبر امیر حسینی. تهران: باز.
۱۴. سوسور، فردیناندو. (۱۳۸۲ش). دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی. چاپ دوم تهران: هرمس.
۱۵. ساسانی، فرهاد، پرویز، آزادی. (۱۳۹۱). تألیف مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه همنشینی و جانشینی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۳، ش ۱، (پیاپی ۹). صص ۶۷-۸۴
۱۶. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۳۴ق). المدرسه القرآنیة، ناشر دار الکتاب اسلامی (۱۳۹۵).

۱۷. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۲۱.ق). *موسوعه الامام الشهيد السيد محمد باقر الصدر*، (ج ۱۹)، تهران: نشر مرکز.
 ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۳). *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: رسولی، هاشم، تهران: فراهانی.
 ۱۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، مترجم: امیری شاد مهری، احمد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 ۲۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ جلد، ج ۱۹، ۱۵، ۱۴، ۸، ۵، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران - قم: انتشارات اسلامی.
 ۲۱. فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۷۵ش). *ارتباطات انسانی*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
 ۲۲. قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۸۹ش). *بیولوژی نص*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲۳. قربانخانی، امید. (۱۴۰۱). «واکاوی مؤلفه‌های مفهومی استنطاق قرآن در روش تفسیری شهیدصدر»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، سال ۲۷، ش ۱، صص ۴۶-۲۵.
- 10.22081/jqr.2022.62608.3418
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلد، ج ۲۶، ایران، تهران: دار الکتب الإسلامية.
 ۲۵. هریس، روی. (۱۳۸۱ش). *زبان، سوسور و ویتگنشتاین*، ترجمه اسماعیل فقیه، تهران: نشر مرکز.